بنام خدا

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

«تاریخ روابط خارجی ایران و آلمان در دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ هـ.ش)»

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر آزرمیدخت مشایخ فریدنی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رضا شعبانی

نگارش:

ابوالفتح مؤمن

۱۳۷۶

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
- پیشگفتار	
مقدمه	
نقد و بررسی منابع	۱
فصل اول : سابقه تاریخی روابط ایران و آلمان	۱۱
الف : بعضی از جنبه‌های روابط ایران و آلمان در دورهٔ صفویه	۱۲
ب : مناسبات سیاسی ایران و آلمان در دورهٔ قاجاریه	۱۷
۱: اولین پیمان رسمی بین دو کشور	۱۷
۲: روابط ایران و آلمان در دوران ناصرالدین‌شاه و فعالیت آلمانها در ایران	۱۸
۳: توسعه نفوذ آلمان در ایران و خاورمیانه	۲۱
ج : مناسبات اقتصادی و نظامی ایران و آلمان در دورهٔ قاجاریه	۲۷
د : مناسبات فرهنگی	۲۹
۱: مدرسهٔ آلمان در تهران	۲۹
۲: سایر فعالیت‌های فرهنگی آلمانها در ایران	۳۱
۳: بهداشت	۳۲
ه: جنگ جهانی اول و ایران	۳۳
۱: تشکیل دولت موقت کرمانشاه	۳۷
۲: رقابت آلمان و انگلستان در امور داخلی ایران	۳۹
۳: واسموس و فعالیتهای وی در ایران	۴۳
فصل دوم : شرایط جدید سیاست جهانی و به قدرت رسیدن رضاخان	۴۹
الف :گرایش ایرانیان و رضاشاه به آلمان	۵۷
ب : توجه آلمان به ایران (جمهوری وایمار و نازی‌ها)	۶۱

عنوان	صفحه

فصل سوم : تجدید توسعه روابط ایران و آلمان در زمان رضاشاه ۶۶

الف : توسعهٔ ارتباطات و مناسبات اقتصادی ایران با جمهوری و ایمار ۶۸

۱: ارتباطات ۶۸

- خطوط هوایی ۶۸

- ارتباطات پستی ایران و آلمان ۷۰

- احداث راه آهن سراسری ۷۲

۲: تجارت ۷۳

۳: تأسیس بانک ملی و ادارات مالی ۷۷

ب - روابط سیاسی و قضایی ۸۰

ج - نقش آلمان در تسلیح ایران ۸۱

د - روابط فرهنگی ایران و آلمان ۹۲

۱: روابط فرهنگی داخلی ۹۲

۲: مجلهٔ پیکار و دیگر نشریات فارسی زبان آلمان ۹۳

۳: فعالیت دانشجویان اعزامی ایران به آلمان ۱۰۳

فصل چهارم : روابط ایران با آلمان نازی ۱۱۱

الف : اوضاع داخلی آلمان و روی کار آمدن هیتلر ۱۱۲

ب : روابط اقتصادی ایران و آلمان نازی ۱۱۷

۱: تجارت ۱۲۰

۲: بانک ملی و مستشارات آلمانی ۱۲۵

۳: خطوط ارتباطی ایران و آلمان ۱۲۹

۴: راه‌آهن سراسری ۱۳۲

۵: نقش آلمانی‌ها در شکل‌گیری کارخانه ذوب آهن و دیگر کارخانجات .. ۱۳۵

عنوان	صفحه

ج : همکاری نظامی ایران و آلمان ۱۳۹

د : روابط فرهنگی ایران و آلمان نازی ۱۴۳

ه: روابط سیاسی ایران و آلمان ۱۴۷

فصل پنجم : ایران و آلمان و جنگ جهانی دوم ۱۵۴

۱: شروع جنگ و سیاست بیطرفی ایران ۱۵۵

۲: اهمیت استراتژیکی ایران برای متفقین در خاورمیانه ۱۵۸

۳: ستون پنجم آلمان در ایران بهانه‌ای برای اشغال ایران ۱۶۱

۴: تجاوز نیروهای شوروی و انگلستان به ایران ۱۶۸

۵: استعفای رضاشاه ۱۷۳

- نتیجه‌گیری ۱۷۶

- ضمایم ۱۷۹

- منابع .....

- اسناد .....

پیشگفتار:

با به قدرت رسیدن رضاشاه فصل نوینی در تاریخ ایران آغاز شد فصلی که در بطن خود دارای تضاد و تنش های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، سیاسی، نظامی و غیره بود و ظاهراً تلاش برای نوسازی و بازسازی کشور می‌کرد، اما با وقوع جنگ جهانی دوم و تقسیم‌بندی جهانی قدرت‌ها از یک سو و موقعیت استراتژیکی ایران از سوی دیگر و روابط این کشور با آلمان که در دورهٔ پهلوی وارد مرحلهٔ جدیدی از همکاریهای اقتصادی شده بود باعث شد تا ایران به بهانهٔ ظاهری وجود جاسوسان آلمانی در این کشور و در واقع تلاش برای نجات شوروی که عملاً نجات متفقین محسوب می‌شد و موقعیت استثنایی این سرزمین که بعداً پل پیروزی نام گرفت، به اشغال نیروهای متفقین درآید و رضاشاه وادار به استعفا و ترک کشور شود. با سقوط رضا شاه بحث بر سر این موضوع در گرفت که ایران جذب آلمان شده بود و از این کشور طرفداری نموده و با سیاستهای آن هماهنگی داشته است. در مقابل عده‌ای منکر جذب رضا شاه و ایران به آلمان بودند و سیاست ایران را گرایش به یک قدرت ثالث بر حسب مصلحت روز قلمداد می‌کردند این سئوال و نکته کور در تاریخ معاصر باعث علاقمندی به پژوهش در این دوره از تاریخ گردید.

مقدمه

در تحقیق هر پدیده و حادثهٔ تاریخی باید به منزلهٔ موجودی زنده بررسی گردد و رابطه تحول اجتماعی با مبانی فکری رایج در آن زمان بدرستی و با دقت مطالعه شود و در واقع هر حادثه‌ای را باید با سنگ و ترازوی زمان خودسنجید. تحقیق علمی، به نظریه و فرضیه مسبوق است و اساساً کار علم و تحقیق علمی، چیزی جز خلق نظریه نیست. در تحقیق علمی به دو شکل می‌توان ابزار نظری لازم را فراهم آورد: اول از طریق علوم انسانی رایج که نقش مولد نظریه‌ها را بر عهده دارند. دوم از طریق یک تحقیق جامع و مانع تاریخی که در پایان آن مؤرخ با اشراف و احاطه‌ای که بر موضوع می‌یابد می‌تواند وقایع را به شکل نظری تبیین کند، یعنی روابط علت و معلولی حاکم بر هر حادثهٔ تاریخی را به شکل اندام‌وار بیان کند. امکان ندارد مؤرخی بدون «زمینهٔ ذهنی» و «پیشداوری» بتواند تحقیق علمی انجام دهد. با این وجود چه بسا همین نظریه‌ها در مراحل تحقیق باطل گردند و جای خود را به نظریهٔ مستحکم‌تری بدهند و حتی قضیه برعکس شود، زیرا محقق با تفحص و تجسس در منابع و اسناد تاریخی به حقایق و زوایای جریانات و حوادث دورهٔ مورد بحث دست می‌یابد و با توجه به این اسناد و مدارک است که می‌تواند به پرسشهای موردنظر جواب دهد و به نتیجهٔ علمی برسد.

در این تحقیق و رساله بخث ما مربوط به «تاریخ روابط خارجی ایران و آلمان در دورهٔ رضاشاه» است که در فصل اول به سابقهٔ تاریخی روابط دو کشور از آغاز دورهٔ صفویه می‌پردازیم و این فصل را تا پایان قاجاریه مورد بررسی قرار داده و علل توجه و گرایش این دو کشور را به یکدیگر در همان برخوردهای اول جستجو می‌کنیم.

در فصل دوم تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و ظهور رضاخان و به سلطنت رسیدن وی، و از طرف دیگر علل توجه رضاشاه به آلمان و آلمان نسبت به ایران دوران رضا شاه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا معلوم شود که چه اصول و ضوابطی این روابط را بوجود آورده و توسعه بخشیده است. فصول سوم و چهارم رساله به روند توسعهٔ روابط

سیاسی و اقتصادی، نظامی و فرهنگی دو کشور در زمان جمهوری وایمار و آلمان نازی اختصاص دارد تا معلوم گردد که در این روابط کدامیک از عناصر نقش اول را داشته است. و سرانجام در فصل پنجم رساله به واکنش شوروی و انگلستان در قبال نفوذ آلمان در ایران پرداخته می‌شود که در نهایت با حملهٔ نظامی دول مذکور همراه بوده است.

در این بحث برآنیم که مشخص کنیم آیا بهانهٔ وجود آلمانی‌ها دلیل اصلی حملهٔ نظامی متفقین به ایران بود یا اینکه امور و قضایای دیگری در این زمینه نقش داشته‌اند. و بطور خلاصه در این پنج فصل درصدد هستیم تا به سئوالاتی چون: ۱- علل گرایش ایران به آلمان و آلمان به ایران چه بوده است؟ ۲- برخورد دو دولت استعماری شوروی و انگلستان با این قضیه چگونه است؟ ۳- در این روابط چه عاملی نقش مهمتر را بازکرده است: اقتصاد یا سیاست؟ ۴- در نهایت آیا ایران از این روابط توانست استفاده مثبت کند؟ ۵- و آخرین مسئله اینکه آیا واقعاً رضاشاه جذب آلمان شده بود یا خیر؟ با امید به کشف وقایع و حقایق تاریخی.

در اینجا برخود لازم می‌دانم که از زحمات بی‌دریغ و ارشادات ارزشمند اساتید ارجمند بویژه خانم دکتر آزرمیدخت مشایخ فریدنی که با صرف وقت زیاد و دقت فراوان مرا در نگارش و تدوین صحیح مطالب مورد تحقیق یاری و ارشاد نمودند و همچنین از استاد گرامی جناب آقای دکتر رضا شعبانی که علیرغم محدودیت وقت رساله را مطالعه فرمودند و بنده را از الطاف و عنایات خود در زمینه تحقیق بهره‌مند نمودند و از اساتید محترم شورای گروه تاریخ، که با تصویب موضوع پایان‌نامه و تشویق اینجانب به تحقیق نهایت همکاری را مبذول فرمودند صمیمانه تشکر نمایم.

نقد و بررسی منابع

ارزش هر رساله و اثری بستگی تام به استفاده از منابع اصلی و تحلیل و تعلیل مطالب خام این منابع دارد این مهم با بهره‌گیری از تمام منابع، مدارک و اسناد تاریخی میسر می‌گردد، بر این اساس در تدوین این رساله از تمام منابع، اسناد و مدارک بر اساس سندیت واولویت علمی استفاده شده است.

در زمینهٔ اسناد: می‌توان گفت که با بهره‌گیری از مراکز اسناد کشور و بررسی اسناد موجود در این مراکز تلاش شده که حق مطلب به جا آورده شود.

از جمله مراکزی که باید از آنها نام برده شود، اداره کل آرشیو، اسناد و موزه، ریاست جمهوری است که در واقع اسناد دربار و نخست‌وزیری دوران پهلوی را شامل می‌شود و در نوع خود منحصر به فرد است و هرگونه تحقیق و پژوهش در باب تاریخ معاصر ایران بدون بهره‌گیری از این اسناد منتشر نشده ناقص و ناتمام خواهد بود.

ما با استفاده از این اسناد مخصوصاً از آلبوم و اسناد مربوط به مجله پیکار و نهضت که از طرف کمونیست‌های ایرانی مقیم آلمان، مخالف رضاشاه، منتشر می‌شد، در روشن کردن مطلب بهره جسته‌ایم، در این مرکز در مورد آلمان در مقطع مورد تحقیق بیش از هزاران سند موجود است که اسناد مهم و برگزیده آن بصورت آرشیو ویژه در آلبوم‌های خاصی قرار داده می‌شوند از جمله علاوه بر آلبوم مجله پیکار و نهضت می‌توان از آلبوم اسناد شاخص راه‌آهن ایران، کارخانه‌های متعدد و فعالیتهای اقتصادی و تجاری و سیاسی بین دو کشور یاد کرد، در این مرکز با کمک کامپیوتر و پیشرفته‌ترین روش سازماندهی موجود اسناد آمادهٔ بهره‌برداری شده از آنها میکروفیلم تهیه می‌شود و برحسب اهمیت تاریخی، سیاسی و اقتصادی ارزش آنها تعیین می‌شود. و از دیگر مراکز اسناد کشور می‌توان به سازمان اسناد ملی کشور اشاره نمود که ما به نوبه خود از اسناد مربوط به اشتغال آلمانیها در ایران سود جسته‌ایم و همچنین از آرشیو وزارت امور خارجه ایران باید یاد کرد هر چند که دسترسی به این اسناد به دلیل عدم سازماندهی و مسائل دیگر مشکل و صعب می‌نمود

ولی با کمک دوستان توانستیم از مطالب روزنامه‌های آلمانی در مورد روی کار آمدن رضاشاه و داوری درباره وی از این اسناد استفاده کنیم.

بعد از اسناد باید به بررسی و نقد منابع اصلی که شامل کتب و خاطراتی می‌باشد که در همان دوره یا با اندکی فاصله به رشته تحریر در آمده، پرداخت شود و به نکات قوت و ضعف این منابع اشاره گردد، بر این اساس با توجه به اهمیت منابع نسبت به موضوع خاص مورد تحقیق ما چند منبع مربوط به دوره مورد بحث را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- جنگ جهانی در ایران تألیف سرکلارمونت اسکرین ترجمه علامحسین صالحیار

این اثر بصورت خاطرات نوشته شده است و مؤلف مدت زیادی در ایران مأموریت داشته و مأمور تبعید رضاشاه به جزیره موریس بوده است و این خاطرات قبل از جنگ جهانی اول تا پایان سال ۱۹۴۶ میلادی ادامه پیدا می‌کند و در این خاطرات نویسنده درصدد توجیه اعمال انگلستان است و تمام گناه‌ها را به گردن شوروی می‌اندازد و دولت خود را مبرا از هرگونه مسئله‌ای می‌داند اما در عین حال ناخواسته مطالبی که حقایقی را بازگو می‌کند به زبان می‌راند از جمله بازگذاشتن دست روسیه شوروی در انقلاب مشروطیت ایران و سیاست مدار با رضاشاه توسط انگلستان در اوائل نفوذ آلمان به ایران و همچنین بازگو کنندهٔ این حقیقت است که جوابهای منصور به درخواست شوروی و انگلستان در مورد اخراج آلمانیها از ایران توسط خود دولتین تنظیم و با توافق آنها بوده است تا بهانه‌ای برای حمله به ایران داشته باشند تا جائی که منصور در مقابل فشار وزراء کابینه ناچار به بیان این حقیقت می‌شود که با توافق خودشان چنین جوابی تهیه شده است و اما در کل باید گفت که مورخ باید مواظب باشدکه دچار قضاوت و داوری ناروای اسکراین نشود و در این اثر بیشتر به مسائل شرق ایران توجه شده است و در یک، دو مورد با خاطرات سرریدر بولارد کاملاً تضاد دارد و مخالف هم مطلب را آورده‌اند نباید از نظر دور داشت که خاطرات برگرفته از افکار و عقاید شخصی فرد در پیوند با وقایع تاریخی مورد نگارش است.

- سی سال رقابت غرب و شوروی در ایران ***تألیف ژرژلنجافسکی ترجمه حورا یاوری***

این کتاب توسط لنجافسکی که در سال ۱۹۳۹ میلادی وابسته مطبوعاتی لهستان در ایران بوده نوشته شده است در واقع این اثر حاصل مشاهدات و تجربه اقامت چندین ساله ایشان در ایام جنگ جهانی دوم در ایران می‌باشد و خود ایشان در بطن حوادث و وقایع بوده و این اثر بطورکلی به رقابت شوروی و دول غرب در ایران اختصاص دارد و زمینه و علل این رقابت را با توجه به سوابق آن بدست می‌دهد و آنچه از این کتاب در موضوع ما دارای

اهمیت است فصل ششم و هفتم آن هست که مربوط به روابط ایران و آلمان می‌باشد که در این بخش اشاره‌ای به حوادث جنگ جهانی اول شده و سایر قسمتهای آن به مسائل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازد و بالاخره حوادث و مطالب را تا سال ۱۹۴۸ میلادی دنبال می‌کند و از این نظر یکی از بهترین منابع می‌باشد و دارای اطلاعات خوبی است و در ضمن در مورد روابط ایران، شوروی و انگلستان بحث نموده امّا آنچه در مورد موضوع ما قابل بحث است اینکه اصلاً مؤلف به علل توجه آلمان به ایران چه در مسائل سیاسی، اقتصادی و غیره اشاره ندارد و این موضوع را بصورت مبهم گذاشته است و کاملاً در این مورد به فعالیت انگلستان برای کشانیدن آلمان به ایران جهت مقابله با شوروی و اجازه فعالیت آلمانیها توسط انگلستان در ایران داده شده بود و حتی آمریکا نه تنها با این مسئله موافق بود بلکه برای آلمان ضد کمونیست فعالیت تبلیغاتی می‌کرد. که مؤلف از این مطلب یا بی‌خبر است یا تعمداً به آن اشاره نمی‌کند و مورد دیگر اینکه مؤلف مطالبی در زمینه به قدرت رسیدن رضاخان ردیف کرده که انگار این فرد (رضاخان) بدون هیچ کمک خارجی ترقی کرده، و اصلاً ارتباطی با قدرتهای بیگانه ندارد در حالی که انگلستان مسبب کودتای کنترل شده رضاخان بوده و خاطرات آیرونساید این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد.

سفرنامه بلوشر تألیف وپیرت فن بلوشر ترجمه کیکاووس جهانداری این کتاب بصورت خاطرات نوشته شد و حاصل دیده‌ها و شنیده‌های مؤلف در ایران است چنانکه خود او در این کتاب می‌گوید: ده سال تمام من شاهد این دگرگونیها بودم، نخست به عنوان افسر و منشی هیأت مأمور به ایران، بعد در نقش مسئوول امور مربوط به ایران در وزارت خارجه در برلین و سرانجام به عنوان سفیر دولت آلمان در تهران.

در مورد موضوع کتاب می‌آورد که: «خاطرات و مشاهدات من بیش از همه مربوط است به دوران جنگ اول جهانی و اوج حکومت رضاشاه» و درباره نحوهٔ قضاوت و بیطرفی خود در نگارش کتاب می‌گوید: من خود دچار بی‌مهری رضاشاه شدم و از وی بد

دیدم. اما به هنگام توصیف شخصیت و اقدامات وی عنان قلم خویش را بدست انتقامجوئی و کینه‌توزی نخواهم داد بلکه می‌کوشم وقایع را بیطرفانه و درست منعکس کنم.

اما چنانکه می‌دانیم هیچ اثر و کتابی بدون هدف و جهت خاصی به رشته تحریر در نمی‌آید مخصوصاً خاطرات که با سلیقه و علائق فرد گره خورده و تحت تأثیر گرایشها و خود محوریها می‌باشد.

در این کتاب گوشه‌ای از اقدامات دولت آلمان و برخورد منافع آن در ایران با دو کشور روس و انگلیس نمایانده شده است.

قسمت اول این کتاب شرح حکومت موقت به ریاست نظام‌السلطنه مافی و اوضاع و احوال حاکم بر آن روزگار است و نیز روابط قدرت روس، انگلیس و آلمان با عشایر ایران و در قسمت دوم کتاب شامل مسائلی چون سوءاستفاده لیندن بلات آلمانی در بانک ملی، حوادث پشت پرده ماجراهای قتل شخصیتها در زندان قصر قاجار، چاپ مطبوعات کمونیستی از طرف دانشجویان ایرانی در آلمان و اظهار نظر درباره دولتمردان ایرانی، در واقع قسمت دوم این کتاب مورد استفاده ما بوده و در بحث مطبوعات و اختلاس بانک ملی توسط کارمندان آلمانی بهترین مطلب را درکمال بیطرفی آورده است. هر چند که در موارد دیگری قلم او تحت تأثیر منافع ملی کشورش قرارگرفته است و نویسنده تا جائی که منافع آنها با اهداف رضا شاه توافق دارد از او تمجید و تعریف می‌کند چنانکه در صفحه ۱۴۹ می‌نویسد: در چنین شرایطی کشور به مرد نیرومندی احتیاج داشت و این مرد نیز سر بزنگاه ظهورکرد و در جای دیگری (صفحه ۲۶۴) در مورد نفت از رضا شاه نقل می‌کند که: ایران آماده است که بر سر نفت با انگلیسها دست به اسلحه شود و من شخصاً حاضرم برای این کار جانم را فدا کنم. در حالی که در اثر اختلاف مؤلف با رضاشاه در خصوص کارخانه نساجی شاهی (قائم‌شهر) که رضا شاه می‌خواست آنرا به تملک خود درآورد. کار آنها بالا گرفت و باعث اخراج محترمانه او در سال ۱۹۳۴ میلادی از ایران شد و درکل می‌توان گفت که

لابه‌لای این اثر مطالب خوب و قابل تأملی می‌توان بدست آورد و نباید از نظر دور داشت که هر اثر دارای یک سری معایب و محاسن است و استفاده از مطالب بکر منبع بر عهده محقق و پژوهشگر می‌باشد.

تاریخ بیداری ایران تألیف حبیب‌الله مختاری

این کتاب حاصل مشاهدات و تجربیات مؤلف است که خود در بطن قضایا حضور داشته تا اندازه‌ای از کم و کیف حوادث باخبر بوده است. این اثر شامل فصولی درباره سلسله قاجاریه قبل از سقوط می‌باشد و سپس به زمینه‌ها و چگونگی بقدرت رسیدن رضاخان می‌پردازد از جمله اقدامات و اصلاحاتی که در جامعه صورت گرفته است و بالاخره جنگ جهانی دوم و وقایع شهریور ۱۳۲۰ شمسی و چگونگی استعفاء رضا شاه و حضور نیروهای شوروی و آمریکا و انگلستان در ایران و اشغال ایران توسط آنها و مشکلاتی که از این راه دامنگیر ایران شده است و اما معایب این منبع مانند اکثر منابع دیگر عدم بدست دادن علل گرایش رضا شاه به آلمان و توجه آلمان به ایران است و فقط به اصلاحات رضا شاه اشاره می‌کند بدون اینکه درباره روابط خارجی و نقش دول خارجی در سیاست داخلی ایران سخنی به میان آورد و اگر هم اشاره نمود به صورت گذرا و مختصر است و دیگر اینکه کتاب کاملاً توجیه‌گر سیاستهای رضا شاه می‌باشد و واقعیات پشت پرده را نشان نمی‌دهد و از به قدرت رسیدن رضا خان توسط انگلیسها اصلاً صحبتی به میان آورده نمی‌شود. اما خوبی این اثر ذکر کردن تمام مراسلات شهریور ۱۳۲۰ بین دولتین شوروی و انگلستان با ایران می‌باشد که تا اندازه‌ای نمایانگر روش استعماری آن قدرتها می‌باشد.

- شترها باید بروند تألیف: سر ریدربولارد وکلار مونت اسکرین ترجمه حسین ابوترابیان

این کتاب ترجمه‌ای است از دو خاطره از مأمورین سیاسی انگلیس که یکی سر ریدر

بولارد است که در زمان جنگ جهانی دوم در ایران مأموریت داشته و دومی سرکلار مونت اسکراین است که مأمور تبعید رضا شاه بوده است. مقدمه این اثر بوسیله حسین ابوترابیان نگارش یافت و کتاب دارای ارزش بسیاری است و خیلی از مسائل را در مقدمه کتاب گفته شده است و خوب تحلیل شده و اما قسمت اول کتاب شامل خاطرات بولارد است ایشان در تمام موارد سعی دارد که انگلستان را تبرئه کند و نقش آن در کودتای ۱۲۹۹ هـ. ش بی‌رنگ کند و حتی اشغال ایران توسط متفقین را توجیه می‌کند و مورد دیگر مسئله اعزام شاه به تبعید گاه است که او می‌گوید:

شاه خود جزیره موریس را خواسته و از اول مشخص شده بود در حالی که اسکراین این‌گفته را نقض می‌کند و می‌گوید باید در بمبئی فرود می‌آمدند نه جای دیگری، و مورد دیگر درباره، علل جلوگیری از پیاده‌شدن رضا شاه در هند است که بولارد مخالفت مردم مسلمان را عنوان می‌کند در حالی که اسکرین مسئله شورش مسلمانان به هواداری از رضاشاه را بیان می‌کند و این خود آشکار می‌کند مأمورین انگلیسی چگونه در صدد تحریف واقعیت به نفع دولت استعماری می‌باشد و حتی در این مورد با هم تناقض دارند، اما قسمت دوم خاطرات (خاطرات اسکراین) در مورد تبعید رضا شاه خوب و بسیار مفید است. و در قسمت اول به علل حمله متفقین و وجود آلمانیها در ایران اشاراتی همراه با تعصب دارد ولی مقدمه آن بسیار مفید است.

- ***خاطرات نصرالله انتظام، شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار به کوشش محمدرضا عباسی*** و این کتاب خاطرات یکی از وابستگان حکومت است که در مصدر امور دولت در مقامهای مختلف بوده و خود شاهد و دست‌اندرکار جریانات و حوادث بوده است، این کتاب بیشتر به حوادث شهریور ۱۳۲۰ یعنی اشغال ایران بدست نیروهای متفقین پرداخته است و عوامل این حمله مورد بررسی قرار داده و به حضور آلمانیهای مقیم ایران که بهانه این هجوم بوده اشاره می‌کند و در تمام جریانات سعی بر این دارد که رضا شاه را تبرئه نماید و وزراء و دولتمردان آن روز ایران را مقصر اصلی حوادث قلمداد کند که در

انتقال اطلاعات و خواستهای متفقین به رضاشاه دچار قصور شده‌اند چه سهواً و چه عمداً و در این اثر کوشش شده که نشان دهد که رضا شاه در صدد دفع بحران بوده با نزدیک شدن و نرمش در مقابل متفقین بخصوص شوروی در حالی که چنین نبوده بلکه سیاست رضا شاه دفع وقت و در پی فرصت مناسب بوده است.

- **تاریخ نوین ایران** : تألیف م.س. ایوانف ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه مقدمه این کتاب توسط احسان طبری تدوین شده است و این اثر شامل تاریخ ایران از اوایل قرن بیستم تا سال ۱۹۶۷ میلادی می‌باشد و این کتاب با سبک و متد خاصی و از دیدگاه یک فرد سوسیالیستی نوشته شده و بسیاری از حقایق را وارونه جلوه داده و بیشتر سعی شده که شوروی را کشوری خواهان ترقی و تعالی ایران معرفی کند و مردم را جذب نماید حتی در این کار دچار تناقض گویی شده است مثلاً در صفحهٔ ۷۸ می‌گوید: رهبری و اداره تأسیسات ساختمانی و صنعتی بتدریج بدست آلمانیها افتاده و باز در همین صفحه عنوان می‌کند که آلمانها مانع پیشرفت اقتصادی و صنعتی کشور ایران شده‌اند. این خالی از حقیقت است چرا که اکثر زیر ساخت مراکز صنعتی ما مربوط به آلمان می‌باشد و حتی رادیو و ارتباطات و راه‌آهن، پس با این شواهد مؤلف فقط در صدد جذب خوانندگان و تبلیغ مرام و ایده کمونیستی بوده و به این خاطر حقایق را فدای مسلک نموده است و در مقدمه‌ای که احسان طبری بر این کتاب نوشته مشخص است و تا اندازه‌ای دیدگاه طبری را هم مشخص می‌کند.

- ***خاطرات سیاسی مهدی فرخ به کوشش و اهتمام پرویز لوشانی***

این کتاب شامل وقایع تاریخ ایران از مجلس سوم تا مجلس چهاردهم می‌باشد و بیوگرافی شخصی فرخ است و به مقتضیات به مسائل سیاسی اشاره شده و در این تألیف مطالب خوبی راجع به قیام کلنل محمد تقی‌خان و قوام‌السلطنه یافت می‌شود و نحوهٔ به قدرت رسیدن رضاخان را بیان می‌کند و به نقش مدرس نگاهی دارد و او مدرس را بد معرفی می‌کند که دارای مسلک و مرام نیست و خواهان کسب قدرت است و از معایب این

اثر آن است که مؤلف خود را مصدر تمام امور می‌داند و همه چیز را به خودش نسبت می‌دهد و در یک قالب خاصی دست به این تألیف زده است و برای بزرگ جلوه دادن رضا شاه بدون در نظر گرفتن و بیان کردن واقعیات سیاسی آن زمان و کتاب شامل سیزده فصل در دو جلد در یک مجلد است و بطور کلی در مورد بیوگرافی افراد اطلاعات خوبی بدست می‌دهد منتها باید مواظب قضاوت او بود و در مورد روابط ایران و آلمان و قضایای اختلاس بانک ملی و روابط اقتصادی در این کتاب مطالب قابل توجه ارائه نموده است و در بین منابع ایشان به خوبی علل توجه ایران به آلمان را در گرایش ایران به نیروی سوم بیان می‌کند که کاملاً هم صحیح می‌باشد و در عین حال از انتقاد نسبت به عملکرد آلمانیها در زمان خود رضا شاه خودداری نکرده است ولی در کل توجیه گر رضا شاه است همان کاری که دیگر منابع این دوره کرده‌اند.

- کتاب خاطرات و خطرات تألیف مهدیقلی خان هدایت

مؤلف کتاب که خود او در تمام جریانات حضور فعال داشته و در مقامهای مختلفی ایفاء نقش کرده کتاب خود را همچنان که از اسم آن پیدا است بصورت خاطرات نوشته است و در واقع شرح حال خود و مسائل و حوادث هم عصر خودش را بیان نموده است. و او کتاب را از زمان سلطنت ناصرالدین شروع می‌کند و تمام جریانات انقلاب مشروطه و استبداد صغیر را آورده است و حوادث را تا سال ۱۳۲۹ هـ.ش دنبال کرده و قسمت مورد نظر ما نحوهٔ به قدرت رسیدن رضا شاه و حوادث دوران ایشان می‌باشد مخصوصاً روابط ایران و آلمان که خود مؤلف تحصیل کرده آلمان و جزء اولین افرادی است که تحصیلات خود را در آلمان به پایان رسانده و تا اندازه‌ای طرفدار سیاست آلمان در ایران بوده است و در روابط فرهنگی بین دو کشور نقش بزرگی را ایفاء نموده مانند دایر شدن مدرسه ایران و آلمان در تهران.

و مؤلف وقایع و حوادث را به صورت روز شمار و مختصر بیان نموده و حالت روزنامه‌ای دارد و خالی از هرگونه تحلیل و تعلیل و شرح کامل حوادث می‌باشد اما در بیان

وقایع مثلاً آوردن جریان رقابت شوروری و انگلستان و حضور آلمان درایران صداقت به خرج داده و واقعیت جامعه را تا اندازه‌ای بیان نموده است و در مورد حمله متفقین به ایران به خوبی نشان می‌دهد که حفظ مناطق نفتی برای انگلستان مهم بوده و این مسأله او را ناگزیر به کمک رسانی به شوروی کرده است و این کتاب منبع دیگری برای مؤلفین بعدی شده که مطلب خود را از آن برگیرند.

در پایان باید به مقالاتی که در مجلاتی چون وحید، کاوه، یغما، ایرانشهر و سالنامه دنیا درباره حوادث این دوره توسط افرادی که خود شاهد و ناظر وقایع بوده‌اند اشاره کرد که خود منبعی برای تحقیق در خصوص واقعیات تاریخی دوره مورد بحث هستند البته باید به نحوه قضاوت و گرایش این افراد توجه نمود تا دچار مشکلات قضاوتی بر پایه خاص تاریخی و تعصب فردی و دوری از حقیقت نشویم چرا که این مقالات اکثراً به صورت خاطرات می‌باشند و بطور کلی اکثریت قریب به اتفاق منابع دوره پهلوی اول، بصورت خاطرات نگارش یافته است که می‌توان آنها را در دو دسته قرار داد که شامل مخالفین و موافقین می‌باشند و کشف واقعیات تاریخی در میان این توده عظیم بر عهدهٔ محقق و پژوهشگر است.

فصل اول

سابقه تاریخی روابط ایران و آلمان

الف) بعضی از جنبه‌های روابط ایران و آلمان در دوره صفوی:

ایران و آلمان در طی تاریخ طولانی خود هیچ‌گاه دشمن یکدیگر نبوده‌اند بر عکس چه بسا اتفاق افتاده است که این دو کشور برای نابود ساختن دشمن مشترک پیمان دوستی داشته‌اند. باید توجه داشت که ایران و آلمان هر دو کشورهائی هستند که در معرض یورشها و تجاوزات قرار داشته و گاهگاه مجبور بوده‌اند برای حفظ موجودیت خود از همه طرف با دشمنان بجنگند و اغلب دشمن غربی ایران، همان دشمن شرقی آلمان بوده است.[1]

نخستین تلاشها برای ایجاد روابط سیاسی با پروس در دوره صفوی و شاه اسماعیل اول صورت گرفت ایران در زمان این شاه در جنگ چالدران از عثمانی شکست خورد (۹۲۰ هـ.ق) و بدنبال آن درصدد برآمد با دولتهای اروپا خاصه با مجارستان، آلمان و جمهوری ونیز که از طرف مغرب همسایگان امپراطوری عثمانی و مورد حملات آن دولت بودند، متحد گردد تا بیاری یکدیگر از دو سو بر دشمن بتازند و او را نابود کنند و بر همین اساس شاه اسماعیل بعد از شکست چالدران چنین نامه‌ای به امپراطور آلمان شارلکن نوشت:

«از شما با اصرار تمام انتظار دارم که به خواهشهای من دقت کنید ما باید در ماه آوریل (اوائل بهار) با هم از دو سو بر دشمن مشترک خود سلطان عثمانی بتازیم تا هر وقت که پیروزی نصیب ما گردد بجنگیم چنانکه از رعایای عثمانی شنیده‌ام پادشاهان عیسوی با یکدیگر در جنگ و جدالند و این مایه حیرتست زیرا که مخالفت ایشان با هم بُر جسارت دشمن خواهد افزود بنابراین لازمست که زودتر به تهیه سپاه اقدام کنید و امیدوارم که برای تحریک و تحریض شما بنوشتن نامه‌های دیگری نیاز نباشد»[2] این نامه دو سال بعد بدست امپراطور آلمان رسید و زمانی جواب آنرا نوشت که شاه اسماعیل در سال ۹۳۵ هـ.ق فوت کرده و طهماسب جای او را گرفته بود. چون این پادشاه سخت متعصب بود و پادشاهان اروپا را کافر و نجس می‌شمرد ظاهراً به نامه کارل پنجم جوابی نفرستاده بود، چهار سال

---

۱ - والتر هینتز: روابط ایران و آلمان در آئینه زمان، مجله فرهنگ ایران زمین شماره ۲۱، سال ۱۳۵۵، ص ۱۳۹

۲ - نصرالله فلسفی: زندگانی شاه عباس اول، جلد چهارم، انتشارات علمی، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۶۲۶

بعد کارل پنجم سفیری دیگر به نام یوحنای بالبی به ایران روانه کرد و امپراطور آلمان در نامه خود چنین نوشته بود که: مقصود حقیقی وی تأمین سعادت و آزادی جهان انسانیت است و امید دارد که شاهنشاه ایران نیز در انجام این منظور مقدس با همه قوای خود بیاری او برخیزد. وی پیروزی آلمان بر فرانسه را بازگفته و به شرط نبرد با عثمانی شاه فرانسه را آزاد کرده، از مسافرت یوحنای بالبی به ایران خبری در دست نیست و از جزئیات روابط ایران و آلمان تا زمان شاه عباس اول اطلاع درست و مفصلی در منابع موجود نیست.

با آغاز پادشاهی شاه عباس اول بین دو کشور روابط سیاسی از نو برقرار و سفرائی بین آنها مبادله می شود. شاه عباس اول در سال ۱۰۰۷ ه.ق برای اتحاد با پادشاهان اروپا بر ضد سلطان عثمانی و بستن قراردادهائی برای فروش ابریشم ایران، سر آنتونی شرلی و حسینعلی بیک بیات را به عنوان سفیر روانه اروپا کرد[1] سفیران ایران از راه روسیه عازم اروپا شدند و پس از شش ماه اقامت در مسکو روز عید پاک (۱۰۰۸ ه.ق) از آنجا به قصد آلمان حرکت کردند وقتی رودلف دوم امپراطور آلمان از آمدن سفیران شاه عباس آگاه شد سیزده کالسکه با گروهی از سرداران و بزرگان دربار و پنجهزار سپاهی به استقبال ایشان فرستاد و آنان را با مهربانی و شکوه تمام پذیرفت و برای هر یک در نزدیکی در بار شاهی منازل زیبا معین کرد. حسینعلی بیک و آنتونی شرلی نزدیک ششماه در پراک ماندند و در تمام این مدت مهمان امپراطور بودند. رودلف دوم پیشنهادهای ایشان را درباره اتحاد با شاه عباس اول بر ضد ترکان عثمانی با احتیاط پذیرفت. وی پس از عزیمت سفیران ایران از پراک برای آنکه به حقیقت مقصود شاه عباس و اتحاد دو دولت بر ضد سلطان عثمانی پی برد هیأتی را به سفارت روانه ایران کرد. ریاست این هیئت با یکی از بزرگزادگان ترانسیلوانیا موسوم به اتی ین کاکاش دوزالون کمنی بود و این مرد دستور داشت که از جانب امپراطور با شاه عباس اول قراردادی بر ضد سلطان عثمانی منعقد سازد و مخصوصاً از او قول بگیرد که تا شهر تبریز را پس نگرفته است با سلطان عثمانی صلح نکند. وی همچنین

---

۱ - علی محمد حاضری: روند اعزام دانشجو در ایران، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۲، ص ۲۵